

آينه

نيماسماداری

تاب‌آوری مالی در **اقتصاد** **کرونایزده**

● **نیماسماداری:** ... هم‌اکنون هیچ چیزی مهم‌تر از زمان و سرعت عمل نیست... بسیاری از اینها کسب‌وکارهای محلی و کسبه و واحدهای خدماتی کوچکی هستند که با کاهش شدید فروش، آن‌هم در شب عید روبه‌رو شده‌اند. تقریباً همه این کسب‌وکارها از روش‌های پرداخت الکترونیکی استفاده می‌کنند. در بهمن ماه امسال حدود ۳/۲ میلیارد تراکنش خرید به ارزش بیش از ۲۳۰ هزار میلیارد تومان به صورت الکترونیکی از طریق مجموعاً ۱۱ میلیون ابزار پذیرندگی (دستگاه‌های POS و درگاه‌های پرداخت اینترنتی و موبایلی) انجام شده است. این اعداد نشان‌دهنده فراگیری این شیوه پرداخت است. اطلاعات تمام این تراکنش‌ها و کسب‌وکارهایی که از این ۱۱ میلیون ابزار پذیرندگی استفاده کرده‌اند، به صورت کاملاً دیجیتال و ساختاریافته در شرکت حاکمیتی شاپرک (زیرمجموعه بانک مرکزی) وجود دارد؛ یعنی مشخص است به تفکیک کد ملی، کد اقتصادی و شناسه ملی اشخاص حقوقی کدام کسب‌وکارها چه میزان فروش در هر روز و هر ماه و هر سال داشته‌اند. به‌همین‌دلیل با استفاده از روش‌های تحلیل داده به‌سادگی می‌توان الگوهای زمانی و مکانی کاهش فروش و همبستگی آن با شیوع کرونا را در این ۱۱ میلیون پذیرنده (Merchant) شناسایی کرد...

کیمسان

خدا جقدر به مارحم کرد که...

● **حسین شریعتمداری:** ... شبکه CNBC ناکارآمدی دولت آمریکا در مواجهه با این بیساری را «یک افتضاح ملی» نامید؛ دلیلی میل در گزارش‌ی نوشت: «بیمارستان‌های آمریکا در حال آمدشدن برای پذیرش ۹۶ میلیون بیمار مبتلا به کرونا و احتمالاً مرگ ۴۸۰ هزار نفر بر اثر این بیماری هستند» و تأکید کرد که «وضعیت بسیار بدتر از آن است که مقام‌های این کشور مدعی هستند. کرونا در ایالات متحده آمریکا ۱۰ برابر بیشتر از آن است که در فصل ابتدای شدید به آفتلوانزا مشاهده شده است.» کریس مورفی سناتور آمریکایی می‌گوید: «تراصب حاضر به شنیدن حقایق درباره ویروس کرونا نیست و به مردم آمریکا در مورد شیوع آن دروغ می‌گوید»، «آندی اسلاویت» مقام ارشد بهداشت آمریکا اعلام کرد شاید یک میلیون آمریکایی تلف بشوند. ما حتی در تست‌گرفتن هم مشکلات زیادی داریم! خ و خاخم «ایمی اکتون» رئیس مرکز بهداشت ایالت اوهایو هم اعلام کرده است تعداد مبتلایان به کرونا در این ایالت بیش از صد هزار نفر است! و...

ایران

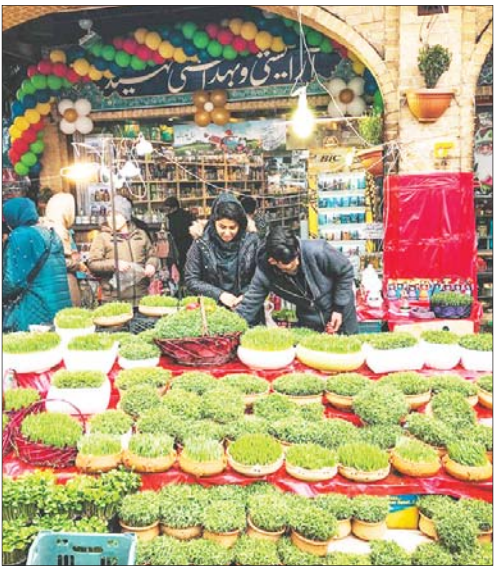
سهم من در بحران کرونا؟

● **سیدضیاء هاشمی:** سؤال مهمی که همگان باید من در این روزها از خود بپرسیم، این است که سهم من در مدیریت بحران فراگیر کرونا چیست؟... صنعتگران: با افزایش تولید و تأمین لوازم بهداشتی مثل ماسک، دستکش، مایع ضدعفونی‌کننده و... می‌توانند به کمک مردم نیازمند بشتابند و نقش بیشتری در این زمینه ایفا کنند... هنرمندان: با تولید و عرضه محصولات و محتواهای جذاب ضمن ترویج رویکردها و روش‌های پیشگیری و خوددرمانی، مردم را در مدیریت شایسته زمان به‌ویژه اوقات فراغت و ماندن در منزل یاری کنند... اصحاب رسانه: با اطلاع‌رسانی مناسب، شفاف‌سازی و افزایش آگاهی مردم درباره عوارض ویروس کرونا، راه‌های پیشگیری از شیوع آن و روش‌های علمی خوددرمانی را اطلاع‌رسانی و ترویج کنند... نهادهای نظامی: با ساخت بیمارستان‌های سیار و صحرایی و کمک به ضدعفونی‌کردن معابر و محیط‌های شهری در فرایند پیشگیری و کمک به نهادهای درمانی مشارکت و نقش آفرینی کنند... نهادهای عمومی: با کاهش هزینه‌های عمومی و ارائه تخفیف‌های موردی مثل اجاره‌بهای واحدهای صنفی یا تمدید زمان پرداخت اقساط، تسهیلات ویژه‌ای برای بهره‌برداران در شرایط رکود نسبی بازار کسب‌وکار در نظر بگیرند... صاحبان املاک: کسانی که می‌توانند، اجاره خانه و ملک خود را به مدت یک تا سه ماه کم کنند و تخفیفات ملموسی به مستجران خود ارائه دهند.

سیاست

هم‌گرایی منطقه‌ای در قلمرو نوروز

نوروزستان



مصادره‌های همسایگان

اکنون که ازبک‌ها سمرقند و بخارا و مشاییر ایرانی را مصادره و خوارزمی، آن نابغه ریاضی‌دان را از آن خود می‌دانند و منکر ایرانی‌بودن آنها می‌شوند و جلوی گسترش زبان فارسی دری، زبان مادری مردم محلی را می‌گیرند، رودکی و ناصرخسرو را ازبک‌ها در تاجیکستان مصادره کرده‌اند و از آن خود می‌دانند و منکر ایرانی‌بودن آنها می‌شوند و فارابی را قزاق‌ها مصادره می‌کنند (شکفت آنکه نام دانشگاه خود را الفارابی می‌گذارند)، چرا ما آرام نشسته‌ایم؟ مولوی را ترک‌های آتاتولی و گاه بلخی‌های افغانستان از آن خود می‌دانند و نظامی و خاقانی و خواجه نصیرالدین طوسی و فضل‌الله همدانی و بهمنیار و صائب را مدعیان در جمهوری قلمروخواهی هستند و بخش‌هایی از ایران در ترک می‌دانند و سلسله صفوی را سلسله پادشاهی آذری قلمداد می‌کنند و برای قلمروهای کنونی خود تاریخ جعلی می‌سازند و منکر ایرانی‌بودن این سرزمین‌ها می‌شوند و عرب‌ها استخری و خردادبه و بوعلی سیبا را عرب می‌دانند، در این زمینه چه اندیشیده‌ایم؟ آیا نه اینکه اینها همه در گستره‌ای جغرافیایی در سرزمینی به نام «ایران‌زمین» زیسته‌اند. برخی از جریان‌های فکری در ارمنستان در اندیشه قلمروخواهی هستند و بخش‌هایی از ایران در شمال غربی تا جنوب ارومیه را «ارمنستان بزرگ» می‌نامند و وجود کلیسای سن طاطاوس (قره کلیسا) و سن استپانوس (کلیسا خرابه) در ایران را قلمرو ارمنه می‌دانند. برخی مورخان ارمنی اندیشه «ارمنستان بزرگ» را اشاعه می‌دهند و روی جلد کتاب‌های تاریخ دبیرستان (چاپ سال ۲۰۰۱) به‌صورت رنگی نقشه ارمنستان بزرگ را چاپ و منتشر می‌کنند، دیگران در باکو، استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی، و قرظون را جزء «آذربایجان بزرگ» می‌دانند و نقشه آن روی کتاب تاریخ آذربایجان برای کلاس‌های پنجم دبستان (چاپ چهارم، ۲۰۰۲) چاپ و منتشر می‌کنند، ما در ایران نباید به این موضوعات اساسی در پیرامون خود بی‌تفاوت باشیم، بلکه باید در یک جو آرام و اندیشمندانه و مستدل و گفت‌وگوی فرهنگی این موارد را با همسایگان به بحث بنشینیم و با آنها در یک محیط فرهنگی مشترک سهم شوبیم و «نوروزستان»ی نوین بسازیم.کرده‌ها اریزل، کرکوک، سلیمانیه، آذربایجان غربی، کرمانشاه و کردستان و ایلام را جزء «کردستان بزرگ» می‌شمارند. افغان‌ها نیز هرات و مزارشریف و بلخ و استان‌های خراسان و آسیای مرکزی را «خراسان» می‌نامند، ما چه کرده‌ایم؟ حمله عراق به ایران برای تشکیل حکومتی عرب در خوزستان نباید فراموش شود. ذره‌ذره این سرزمین باید چون مردمک چشم نگهداری و پاسداری شود و تمام این کج‌اندیشی‌ها با ابزارها و شیوه‌های مناسب پاسخ داده شود. چرا ما حتی از چاپ یک نقشه تاریخی ایران بزرگ به زبان‌های مختلف پرهیز کرده‌ایم؟ چیزی که می‌توانست پاسخ‌گو یبساری از این کج‌فهمی‌ها و بی‌خبری‌ها باشد، زیرا در سیاست خارجی ایران دوستی با همسایگان در اولویت قرار دارد.

با این فعالیت‌های گزاف‌نیشانه و بدهیمی‌ها، ممکن است کودکان و جوانانی در کشورهای پیرامون ما بزرگ شوند و نشو و نما کنند و آینده کشورشان را رقم بزنند که به تنش‌های سیاسی منجر شود. اگر با این ذهنیات خطا پرورش یابند، در آینده همسایگانی پرتنش خواهیم داشت که نسبت به ایران ادعای ارضی خواهند داشت. برای تدوین استراتژی ملی خود، لازم است قبل از انسجام‌یافتن این کج‌فهمی‌ها و به‌دنبال آن بروز تنش‌ها و اختلاف‌ها و به‌خطر افتادن وحدت ملی و تمامیت ارضی، در این موضوع برنامه‌ریزی داشته باشیم. جمهوری اسلامی ایران درحال‌حاضر ابزارهایی دارد که می‌تواند در این زمینه به کار بگیرد. شاید در آینده توانیم از این ابزارها بهره بگیریم. بهتر است از هم‌اکنون در این زمینه بیندیشیم.

عامل هم‌گرایی منطقه‌ای

در شرایط کنونی، نوروز می‌تواند در همبستگی ملی ایران در بین اقوام تشکیل‌دهنده ایران‌زمین در جغرافیای سیاسی ایران به عنصر «وحدت‌بخش ملی و قومی» و در بیرون از ایران بین کشورهای حوزه نوروز به‌عنوان عامل «هم‌گرایی منطقه‌ای» (سیاسی و فرهنگی) مورد استفاده قرار گیرد. در کشورهای پیرامونی ایران در حوزه «نوروزستان»، نوروز یک عنصر هویت‌ساز و به‌عنوان جشنی دولتی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و نمادی بیرونی دارد و در ایران به‌عنوان آیینی ملی و خانوادگی در درون خانواده و سپس اجتماع (مردم– مردم) عملکردی همه‌جانبه دارد. جشن‌ها اصولاً هویت ملی یا دینی هر ملتی را تشکیل می‌دهند و هر مراسمی بیان‌کننده علایق، سلیقه‌ها و فرهنگ ملت و تعلقات قومی آن به شمار می‌رود.جشن‌های سال نو اومروزه در بین تمامی اقوام مختلف برگزار می‌شود و این جشن‌ها در هر نقطه و منطقه‌ای از زمین با دیگر نقاط متفاوت است و درصورتی‌که مراسمی حرکت خود را از یک قالب ملی و منطقه‌ای آغاز و به یک نماد بین‌المللی تبدیل شود، می‌توان

دلیش را وجود ارزش‌های مشترک انسانی در آن دانست که منعکس‌کننده فطرت انسان‌ها و تمایل آنها برای در کنار هم زیستن و صلح است.سازمان فرهنگی و هنری سازمان ملل متحد (یونسکو) در پاسخ به پیشنهاد کمیسیون ملی یونسکو در ایران در سال ۱۳۸۳ (کنفرانس بین‌المللی کشورهای حوزه نوروز در تهران که نگارنده نیز در آن عضویت داشت) برای ثبت جهانی این میراث مشترک جهانی به‌عنوان یک میراث بشری آغازکننده ثبت جهانی نوروز شد.

ظرفیت‌های نوروز در دیپلماسی فرهنگی

پس از مرحله اول ثبت چندملیتی نوروز در فهرست میراث جهانی یونسکو در سال ۲۰۰۹ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل، در ۲۳ فوریه ۲۰۱۰، در قطع‌نامه ۶۴/۲۵۳، روز اول فروردین (۲۱ مارس) را «روز جهانی نوروز» نامید و آن را به‌عنوان یک مناسبت بین‌المللی به رسمیت شناخت. از آنجایی‌که فرهنگ و تمدن ایرانی در این عرصه‌ها از استواری و پایداری برخوردار است، می‌توان با تکیه بر عناصر فرهنگی و آیین‌ها و مراسم‌هایی که به نحوی بر شالوده فرهنگ ایرانی استوار است، نسبت به تقویت حضور سیاسی و فرهنگی ایران در این گستره اقدام کرد؛ برای نمونه می‌توان از شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی نام برد که در تمام قفقاز و آسیای مرکزی و افغانستان با آن آشنا هستند و آن را می‌خوانند، چه به فارسی و چه ترجمه‌های آن به زبان‌های گوناگون از گرجی، آذری، ارمنی، روسی و... شاهنامه فردوسی در قرن دوازدهم میلادی در گرجستان به زبان گرجی در دربار ملکه تامار، امپراتریس گرجستان، ترجمه شده است. شاهنامه در قفقاز از ارزش معنوی و تقدس برخوردار است. مردم جمهوری آذربایجان و ارمنستان از آن الهام گرفته‌اند و نام‌های شاهنامه‌ای در این مردم به گسترده‌ی رواج دارد. در سراسر آسیای مرکزی شاهنامه را می‌شناسند، چون بسیاری از رویدادهای داستان‌های شاهنامه در آسیای مرکزی اتفاق افتاده است. در سالن ورودی فرودگاه جدید بیشکک، پایتخت قرقیزستان، تابلوی بزرگی از سیمرخ و زال با موزاییک کار شده است. تا چندی پیش‌تر شاهنامه از ملزومات خواجه جهاز عروس در قزاقستان و ازبکستان بود.مراسم عید نوروز از غرب چین تا شرق بالکان از پیرامون دریای خزر و ورارود (ماوراءالنهر اسلامی و آسیای مرکزی کنونی) تا شرق شبه‌قاره و جنوب‌های مسلمان قفقاز و آسیای مرکزی و علاوه بر بسیاری از نقاط برپا داشته می‌شود. می‌توان گفت نوروز در مسیر جاده ابریشم در جایی که اکنون مسلمانان در آن ساکن هستند، همه‌جا حضور دارد.نوروز یکی از عناصر فرهنگ ایرانی است که در چند دهه اخیر توانسته است بیش از هر زمانی در تاریخ گذشته به خارج از مرزهای سرزمین ایران بزرگ یا سرزمین‌های حوزه فرهنگ ایرانی – یعنی آسیای مرکزی، قفقاز، اتانطولی، بین‌النهرین، یا خارج از حوزه فرهنگ ایرانی– پاکستان و بخشی از هند و آلبانی و بالکان – خراجش یابد. این فرایند را می‌توان فرایند جهانی شدن مجدد نوروز نامید، زیرا پیش از این نیز در دوره‌ای از تاریخ، نوروز گستره جهانی داشته است.

نوروز در ۲۰ فرارز

نوروز از جهانی، جشنی منطقه‌ای و سرزمینی شناخته می‌شود و بیش از هر چیز با نام سرزمین ایران پیوند خورده است، اما در واقعیت همواره گستره‌ای بیش از ایران داشته است. از این منظر می‌توان دو مرحله اساسی در تاریخ نوروز را از هم تفکیک کرد. نخست، دوره باستانی که تقریباً در تمام جهان ایرانی متداول بوده است. با رواج مسیحیت، ظهور اسلام و افول دین زرتشت، گستره نوروز محدود می‌شود. دوم، دوره اخیر که همگام با فرایند‌های جهانی‌شدن و مهاجرت اقوام ایرانی از ایران، افغانستان، تاجیکستان و آسیای مرکزی به کشورهای غربی و سراسر جهان، مجدداً آیین‌های نوروز نیز در سراسر جهان توسط این مهاجران برپا می‌شود و موجب آشنایی جهانیان با نوروز شده است، به‌طوری‌که سفره نوروزی در کاخ سفید نیز گسترده شده است.همان‌گونه که گفته شد، نوروز اهمیتی جهانی دارد. علاوه بر وازه‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها، کتاب‌ها، مجلات و دایره‌المعارف‌های فارسی، در بیشتر دایره‌المعارف‌های جهان مدخلی درباره نوروز وجود دارد؛ برای نمونه در دایره‌المعارف اسلام به زبان ترکی استانبولی مدخل بزرگی درباره نوروز به قلم آ. لوی درج شده است (چاپ ۱۹۶۴). در جلد ۲۵ دایره‌المعارف ترک (چاپ ۱۹۷۷) علاوه بر مدخل عید نوروز درباره ترکیبات نوروز نیز مانند «بیات نوروز»، «نوروز بوسه لیک»، «نوروز بزرگ»، «نوروز حجاز»، «نوروز حسینی»، «نوروز عراق»، «نوروز اصفهان»، «نوروز کوچک»، «نوروز نوا»، «نوروز پرده سی»، «نوروز رهاوی»، «نوروز صبا»، «نوروز عشاق»، «نوروز زنگوله»، «نوروز عجم»، «نوروز عرب»، «نوروز هارا»، «نوروز رومی» (در فارسی نوروز آتاتولی)، «نوروز سلطانی» و «نوروز راست» که همگی اصطلاحاتی در موسیقی ترک هستند، توضیحاتی ارائه داده است. همچنین از «نوروز راست» در موسیقی عرب نام برده شده است. افزون بر آن از اصطلاح «عید نوروز» که در زمینه هدیه‌های نوروزی به بزرگان از سوی پادشاهان داده می‌شد و نیز قصایدی که شعرا در ایام بهار به نام نوروزیه می‌سرودند، نام برده شده است.چه زبیا خواهد بود که در ایران که خاستگاه و زادگاه نوروز است، مکان‌ها و معابر یا میدان‌هایی به نام نوروز نام‌گذاری شود. بیابید از تحریف نوروز جلوگیری کنیم. آتهایی که نوروز را «جشن بهار» و چارشبه‌سوری را «چارشبه‌سوزی» و سیزده‌بدر را «جشن طبیعت» می‌نامند، از عظمت نوروز و ذات نوروز بی‌خبرند و درحدد حذف نوروز از خاستگاه آن هستند، زهی خیال باطل. نوروز در عمق روح و جان مردمان این سرزمین حضور دارد و روایان سال حضور خواهد داشت و جهانی‌تر خواهد شد.توضیح: در سایت گلوگلدومیلون ۲۶۰ هزار مدخل درباره «Nevruz»، یک‌میلیون و ۹۸۰ هزار مدخل درباره «Nowruz»، یک‌میلیون ۸۰ هزار مدخل درباره «Norooz» به زبان انگلیسی، ۵۴میلیون و ۲۰۰ هزار مورد درباره «نوروز» و ۵۸ میلیون مورد درباره «عید نوروز» به زبان فارسی منتشر شده است. در جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۸ به مناسبت ثبت جهانی نوروز در یونسکو، دایره‌المعارف به نام «نوروز بایرامی»، نوروز انسکلوپدیاسی به زبان آذربایجانی با الفبای لاتین در قطع A4 با جلد گالینکور در ۲۰۵ صفحه و کافد نفیس و چاپ رنگی در باکو منتشر شده است.

«**کارشناس برجسته حوزه آسیای میانه و قفقاز**

یادداشت

درباره نامه نیلوفر ییانی و چند ابهام قانونی

شیمای قوشه - **وکیل و فعال حقوق زنان**

● چندی است که نامه یکی از متهمان محیط‌زیستی که بیش از دو سال در بازداشت موقت به سر می‌برد، در رسانه‌ها منتشر شده و حتی واکنش دستگاه قضائی را هم به همراه داشته است. فارغ از اینکه سرانجام این ادعا چه می‌شود و آیا به آن رسیدگی می‌شود یا خیر در اینجا سعی داریم به این موضوع بپردازیم که چرا اغلب در چنین پرونده‌هایی چنین ادعاهایی مطرح می‌شود؟ چرا این دست پرونده‌ها بتاسیل زبادی برای طرح چنین ادعاهایی دارند و اغلب پاسخ روشنی دریافت نمی‌کنند.یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در چنین پرونده‌هایی باید به آن توجه کنیم روش سیستم قضائی برای اثبات ادعا است. در سیستم قانونی ما به‌ویژه در جرائمی که نه حدود هستند و نه قصاص مجازات آن است و اصطلاحاً به آنها جرائم تعزیری می‌گویند خیلی روی گرفتن اقرار و اعتراف از متهم تمرکز می‌شود.آنچه در این میان مهم است توجه به این نکته است که «اقرار» یکی از ادله اثبات ادعا است. حتی در جرائم حدود الهی هم شاهد هستیم که شارع مقدس بارها بر این موضوع تأکید کرده که اصرار بر اقرار متهم نداشته باشید. در سایر جرائم هم همین‌طور است و اصرار بر اقرار متهم، تنها راه اثبات ادعا نیست و سیستم قضائی باید در جست‌وجوی سایر ادله باشد تا بتواند از روش‌های دیگر اتهام ادعایی را اثبات یا رد کند. ولی از آنجایی که گرفتن اقرار از متهم ساده‌ترین روش برای اثبات ادعا است ممکن است اغلب به سمت روش‌های اشتباهی برای گرفتن اقرار برود. متهم هیچ الزامی برای اقرار ندارد.موضوع مهم دیگر آگاهی فرد بازداشتی از حقوق خودش است. اگر در چنین پرونده‌هایی زندانی را از حقوق خود آگاه کنیم و ابزار لازم برای احقاق حق را در اختیارش بگذاریم، دیگر اثبات یا رد چنین ادعاهایی کار بسیار آسانی است و احتیاجی به چنین جنجال‌هایی ندارد. مقام قضائی وظیفه دارد که کلیه حقوق متهم را به او یادآوری کند. در قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب سال ۱۳۹۴ به این مسئله توجه شده است که فرد بازداشتی می‌تواند تقاضا کند که به‌دست پزشک معتمد معاینه جسمی و روحی شود. همچنین می‌تواند گواهی صادرشده از سوی پزشک را برای استناد در دادگاه یا درگیری حقوقی خود در اختیار داشته باشد و ادعا کند که سالم وارد بازداشتگاه شده است. اگرچه اغلب دیده شده که باوجود لحاظشدن چنین مسئله‌ای در قانون، ترتیبی برای اجرای آن اتخاذ نمی‌شود و گواهی صادر نمی‌شود یا اگر می‌شود به دست زندانی برای استناد در آینده داده نمی‌شود. در این حال، در این مورد خاص وقتی بازداشت موقت متهمان محیط‌زیستی دو سال به درازا کشیده شده دیگر فرصتی برای احقاق حق درباره آنچه بر آنها در مدت بازداشت رفته وجود ندارد، چراکه آثار بسیاری از این موارد باوجود گذشتن از مدت بازداشت نیز مانند «بیات نوروز»، «نوروز بوسه لیک»، «نوروز بزرگ»، «نوروز حجاز»، «نوروز حسینی»، «نوروز عراق»، «نوروز اصفهان»، «نوروز کوچک»، «نوروز نوا»، «نوروز پرده سی»، «نوروز رهاوی»، «نوروز صبا»، «نوروز عشاق»، «نوروز زنگوله»، «نوروز عجم»، «نوروز عرب»، «نوروز هارا»، «نوروز رومی» (در فارسی نوروز آتاتولی)، «نوروز سلطانی» و «نوروز راست» که همگی اصطلاحاتی در موسیقی ترک هستند، توضیحاتی ارائه داده است. همچنین از «نوروز راست» در موسیقی عرب نام برده شده است. افزون بر آن از اصطلاح «عید نوروز» که در زمینه هدیه‌های نوروزی به بزرگان از سوی پادشاهان داده می‌شد و نیز قصایدی که شعرا در ایام بهار به نام نوروزیه می‌سرودند، نام برده شده است.چه زبیا خواهد بود که در ایران که خاستگاه و زادگاه نوروز است، مکان‌ها و معابر یا میدان‌هایی به نام نوروز نام‌گذاری شود. بیابید از تحریف نوروز جلوگیری کنیم. آتهایی که نوروز را «جشن بهار» و چارشبه‌سوری را «چارشبه‌سوزی» و سیزده‌بدر را «جشن طبیعت» می‌نامند، از عظمت نوروز و ذات نوروز بی‌خبرند و درحدد حذف نوروز از خاستگاه آن هستند، زهی خیال باطل. نوروز در عمق روح و جان مردمان این سرزمین حضور دارد و روایان سال حضور خواهد داشت و جهانی‌تر خواهد شد.توضیح: در سایت گلوگلدومیلون ۲۶۰ هزار مدخل درباره «Nevruz»، یک‌میلیون و ۹۸۰ هزار مدخل درباره «Nowruz»، یک‌میلیون ۸۰ هزار مدخل درباره «Norooz» به زبان انگلیسی، ۵۴میلیون و ۲۰۰ هزار مورد درباره «نوروز» و ۵۸ میلیون مورد درباره «عید نوروز» به زبان فارسی منتشر شده است. در جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۸ به مناسبت ثبت جهانی نوروز در یونسکو، دایره‌المعارف به نام «نوروز بایرامی»، نوروز انسکلوپدیاسی به زبان آذربایجانی با الفبای لاتین در قطع A4 با جلد گالینکور در ۲۰۵ صفحه و کافد نفیس و چاپ رنگی در باکو منتشر شده است.

همچنین باید توجه کرد طبق مواد ۲۸ و ۷۵ نظارت بر ضابط قضائی با دادستان آن حوزه قضائی است. دادستان وظیفه دارد روی رفتار ضابط‌های قضائی‌اش نظارت کند و قبل از این ابتدا آنها را آموزش دهد. از سال ۱۳۹۴ که قانون درباره بازجویای زن الزام ایجاد کرده دستگاه قضائی فرصت داشت تا ضابط‌هایی را آموزش دهد و برای این کار آماده کند، وظیفه آموزش و نظارت بر ضابط‌ها با دادستان است و دادستان نمی‌تواند از این مسئله شانه خالی کند. در واقع اینجا باید از دادستان پرسید که آیا اساساً ما ضابط قضائی زن آموزش‌دیده داریم که در این موارد به کار بگیریم تا راه بر طرح چنین ادعاهایی بسته شود. در مجموع آنچه با مطرح‌شدن این نامه در افکار عموم شکل گرفته پرسش‌هایی است که ازقضا قانون برای آن چاره‌هایی اندیشیده است اما در باب اجرای صحیح آن تشکیک وجود دارد.

برگ سبز خودرو هوپوندای توسان IX۳۵ رنگ سفید روغنی مدل ۲۰۱۳ به شماره پلاک ایران ۱۵ _ ۱۲۵ س ۴۴ و شماره موتور 6252695M13/3 و شماره شاسی 411100K3510610N4S به نام **احمد بشیری کهنکی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

برگ سبز خودرو هوپوندای توسان IX۳۵ رنگ سفید روغنی مدل ۲۰۱۳ به شماره پلاک ایران ۳۳ _ ۲۸۲ ن ۷۹ و شماره موتور 4KEDU905330 و شماره شاسی 81CDDU629324KMJHJ به نام **مصطفی غیاثوند** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی خودرو مزدا دو کابین رنگ تفره ای- آبی متالیک مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ایران ۹۹ _ ۱۲۳ ن ۹۷ و شماره موتور 38676FEA و شماره شاسی 234502NAGP2PC12GA به نام **شرکت لاد ارتباط** قشم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.